



فردوسی بزرگ

آیا فردوسی زن ستیز بود؟!

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲ مهر ۱۳۹۵ | ۱۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

ما در شاهنامه زنان برجسته بسیاری از جمله رودابه، تهمینه، فرنگیس و منیژه داریم. پس چه می شود که به ناگه به ابیاتی بر میخوریم که به ضم ما زن ستیزانه بنظر میرسد؟ به مانند: همی خواست دیدن در راستی / ز کار زن آید همه کاستی چن این داستان سر بسر بشنوی / به آید ترا گر به زن نگروی کرا از پس پرده دختر بود / اگر تاج دارد بد اختر بود کسی کو بود مهتر انجمن / کفن بهتر او را ز فرمان زن سیاوش ز گفتار زن شد به باد / خجسته زنی کو ز مادر نژاد قبل از هرچیز باید به یاد بیاوریم که فردوسی اشعارش را از روی یک (چند) متن

پارسیان دژ / فردوسی بزرگ

ما در شاهنامه زنان برجسته بسیاری از جمله رودابه، تهمینه، فرنگیس و منیژه داریم.
پس چه می شود که به ناگه به ابیاتی بر میخوریم که به ضم ما زن ستیزانه بنظر میرسد؟
به مانند:

همی خواست دیدن در راستی / ز کار زن آید همه کاستی
چن این داستان سر بسر بشنوی / به آید ترا گر به زن نگروی
کرا از پس پرده دختر بود / اگر تاج دارد بد اختر بود
کسی کو بود مهتر انجمن / کفن بهتر او را ز فرمان زن
سیاوش ز گفتار زن شد به باد / خجسته زنی کو ز مادر نژاد

قبل از هرچیز باید به یاد بیاوریم که فردوسی اشعارش را از روی یک (چند) متن مینویسد و تا جای ممکن تلاش کرد که امانت دار خوبی باشد

همچنین بعضی از ابیات در نسخه های متفاوت شاهنامه به آن الحاق شده اند

ابیات الحاقی :

این بیت به داستان سیاوش (سیاوخش)، شاهزاده پاك نهاد ایرانی مربوط می شود که نامادریش سوداوه بدو دل می باز و او را به سوی خود می خواند؛ اما پس از آن که با مخالفت سیاوش رو به رو می شود و از وصل ناامید، نزد شوهرش کیکاوس چنین وانمود می کند که سیاوش قصد دست اندازی به او را داشته است. سرانجام به پیشنهاد موبدان سیاوش برای اثبات بی گناهی خود باید از آتش بگذرد. هیزم انبوهی گرد می آید و همه منتظرند که سیاوش از کوه آتش بگذرد (چ. خالقی، ج ۲، برگ ۲۳۴، ب ۴۷۶-۴۷۲) :

نهاد هیزم دو کوه بلند شمارش گذر کرد بر چون و چند

ز دور از دو فرسنگ هر کس بدید چنین جست باید بلا را کلید

همی خواست دیدن در راستی زکار زن آید همه کاستی

چن این داستان سر بسر بشنوی به آید ترا گر به زن نگروی

به گیتی بجز پارسا زن مجوی زن بدکنش خواری آرد به روی

زن و ازدها هر دو در خاک به جهان پاك ازین هر دو ناپاك به

بیت آخر در ۱۵ دست نویس از کهن ترین و معتبرترین دست نویس های شاهنامه که تصحیح جلال خالقی مطلق بر پایه ی آن ها استوار است، نیست و در چاپ های معروف زول مول و مسکو و حتا بروخیم نیز دیده نمی شود.

رستم پس از ذکر دلاوری های خود به پدرش زال می گوید (چ. ژول مول، ج ۱، برگ ۲۲۳، ب ۵۹-۵۸) :

از افکندن شیر شیرمست مرد همان جستن رزم و دشت نبرد

زنان را از آن نام ناید بلند که پیوسته در خوردن و خفتند

این دو بیت از میان ۱۵ دست نویس مبنای تصحیح خالقی (ج ۱، برگ ۳۳۳، پی نوشت ۴)، تنها در يك دست نویس اصلی و سه دست نویس فرعی آمده است و بنا بر این قطعا الحاقی است.

زمانی که رودابه عاشق زال می شود

چو بگرفت جای خرد آرزوی دگرگونه تر شد به آیین و خوی

چه نیکو سخن گفت آن رای زن ز مردان مکن یاد در پیش زن

دل زن همان دیو را هست جای ز گفتار باشند جوینده رای

دو بیت آخر از میان ۱۵ دست نویس مبنای تصحیح خالقی (ج ۱، برگ ۱۸۷، پی نوشت ۲۰) تنها در دوتا آمده است. این دو بیت که از طریق دست نویس به چاپ ژول مول راه یافته، در دست نویس های کهن و معتبر نیست و طبعن الحاقی است.

شاه یمن هنگامی که دخترانش را - که سخت دوست می دارد - به ناچار به پسران فریدون به زنی می دهد و از جدا شدن از دختران دل آزرده است، می گوید (ج. مسکو، ج ۱، برگ ۸۹، ب ۱۷۰):

به اختر کس آن دان که دخترش نیست چو دختر بود روشن اخترش نیست

این بیت با این که از میان ۱۵ دست نویس مبنای تصحیح خالقی تنها در دو دست نویس اصلی نیامده و در غالب دست نویس های دیگر مضبوط است، به تشخیص تصحیح کنندگان شوروی مشکوک و به تشخیص خالقی (ج ۱، برگ ۱۰۲، پی نوشت ۲۶) الحاقی است.

سوداوه همچنان در کار سیاوش دسیسه می کند و با «جادوی ساختن» بدگمانی کیکاوس را نسبت به پسرش افزون می کند (ج. خالقی، ج ۱، برگ ۲۳۹، ب ۵۵۸-۵۵۷):

برین داستان زد یکی رهنمون که مهری فزون نیست از مهر خون

چو فرزند شایسته آمد پدید ز مهر زنان دل ببايد برید

در چاپ ژول مول (ج ۲، برگ ۱۲۳، ب ۶۰۳) پس از این دو بیت که بی گمان اصلی است، بیت زیر آمده است:

زبان دیگر و دلش جایی دگر ازو پای یابی که جویی تو سر

این بیت در چاپ ژول مول (ج ۲، برگ ۱۲۳، ب ۶۰۳) آمده. از میان ۱۵ دست نویس مبنای تصحیح خالقی، این بیت تنها در ۶ تای آن ها (ج ۱، برگ ۲۳۹، پی نوشت ۳۱) و در ۹ دست نویس کهن و معتبر دیگر نیست. این بیت باز هم از طریق دست نویسه چاپ ژول مول راه یافته است. در دست نویس بی تاریخ لنینگراد (در چاپ مسکو با نشان VI) به جای این بیت، بیت زیر آمده است:

بکاری مکن نیز فرمان زن که هرگز نبینی زنی رای زن

هنگامی که افراسیاب از شیفتگی دخترش منیژه به بیژن، دلاور ایرانی، آگاهی می‌یابد و در می‌یابد که «ز ایران گزیده‌ست جفت» (ج. خالقی، ج ۳، برگ ۳۲۳، ۲۳۶-۲۳۵):

به دست از مژه خون مژگان برفت برآشت و این داستان باز گفت
کرا از پس پرده دختر بود اگر تاج دارد بداختر بود

پس از این دو بیت در چاپ مسکو (ج ۵، برگ ۲۳، ب ۲۶۳) بیت زیر آمده است:

کرا دختر آید به جای پسر به از کور داماد ناید بدر

این بیت در ۷ دست نویس آمده و در ۸ دست نویس دیگر که کهن‌ترین دست نویس شاهنامه در رأس آن هاست، نیست و خالقی نیز به درستی آن را الحاقی تشخیص داده است.

نوش زاد، پسر مسیحی انوشیروان سر به شورش برمی‌دارد و انوشیروان درنامه‌ای به مرزبان مداین مأموریت می‌دهد که شورش را سرکوب کند و بدو می‌نویسد (ج. مسکو، ج ۸، برگ ۱۰۲، ب ۸۴۷ - ۸۴۶):

سپاهی که هستند با نوش زاد کجا سر بیچند چندین ز داد

تو آن را جز از باد و بازی مدان گزاف زنان بود و رای بدان

در مورد مصرع دوم از بیت دوم، تصحیح کنندگان شوروی هنگامی که از میان ۵ دست نویس مبنای تصحیح خود، ضبط اقدم دست نویس ها را تصحیف شده دیده‌اند (گزاف جهان‌دیده آزی مدان)، ضبط یگانه و کاملن با مفهوم و ساده ی قاهره ۷۹۶ (در ج. مسکو با نشان K) را به متن برده و ضبط های ل و بقیه ی دست نویس ها را به حاشیه رانده‌اند.

زنان را ستایی سگان را ستای که يك سگ به از صد زن پارسای

این بیت زن‌ستیزانه و سخت‌سخیف به نام فردوسی در امثال و حکم دهخدا (تهران، ۱۳۱۰ ش، ج ۲، برگ ۹۱۹، س ۲۵) ضبط شده، ولی نگارنده آن را در هیچ يك از چاپ های شاهنامه نیافته است. چنان چه این بیت در شاهنامه‌ای هم یافت شود، آشکارا پیداست که جعلی است.

همچنین به یاد داشته باشیم زمانی که در حال روایت یک داستان هستیم بعضی چیز ها را به زبان می آوریم که از زبان ما نیست بلکه در حقیقت از زبان شخصیت داستان است و ما فقط راوی هستیم.

همانند ابیات زیر که الحاقی نیست ولی از زبان شخصیت هاست نه فردوسی:

بیت های اصلی:

در آغاز «گفتار اندر گذشتن سیاوخش بر آتش» (چ. خالقی، ج ۲، برگ ۲۳۴، ب ۴۷۶-۴۷۵):

ز کار زن آید همه کاستی

همی خواست دیدن در راستی

به آید ترا گر به زن نگروی

چن این داستان سر بسر بشنوی

رستم هنگامی که از کشته شدن سیاوش، که سوداوه عامل اصلی آن بود، باخبر می شود چنین می گوید (چ. خالقی،

ج ۵، برگ ۳۸۲، ب ۴۹-۴۸):

کفن بهتر او را ز فرمان زن

کسی کو بود مهتر انجمن

خجسته زنی کو ز مادر نژاد

سیاوش ز گفتار زن شد به باد

کیکائوس به سفارش سوداوه از سیاوش می خواهد که به شبستان او در میان زنان رود. سیاوش به پدر می گوید (چ.

خالقی، ج ۲، برگ ۲۳، ب ۱۶۱):

به دانش زنان کی نمایند راه

چه آموزم اندر شبستان شاه؟

باز هم درباره ی سوداوه (چ. خالقی، ج ۲، ص ۲۳۹، ب ۵۵۷-۵۵۸):

که مهری فزون نیست از مهر خون

برین داستان زد یکی رهنمون

زمهر زنان دل ببايد برید

چو فرزند شایسته آمد پدید

افراسیاب می‌گوید :

اگر تاج دارد بد اختر بود
کرا از پس پرده دختر بود

انگشتی رستم به دست بیژن می‌افتد و او درمی‌یابد که به زودی از بند چاه رها می‌شود. پیش از آن که این راز را نزد منیژه برملا کند، می‌گوید(چ. خالقی، ج ۳، برگ ۳۷۶، ب ۹۸۳):

زنان را زبان هم نماند به بند
که گر لب بدوزی ز بهر گزند

کتایون، دختر قیصر روم، عاشق گشتاسپ، پادشاه کیانی می‌شود و آن گاه که قیصر از ماجرا آگاه می‌گردد (چ. مسکو، ج ۶، برگ ۲۳، ب ۲۵۵-۲۵۳):

که از پرده عیب آورد بر نژاد
چنین داد پاسخ که دختر مباد

به ننگ اندرون پست گردد سرم
اگر من سپارم بدو دخترم

به کاخ اندرون سر بیاید برید
هم او را و آن را که او برگزید

(چ. خالقی، ج ۵، برگ های ۲۹۵-۲۹۴، ب ۴۰-۳۷):

که نیکو زد این داستان هوشیار
چنین گفت با مادر اسفندیار

چو گویی سخن بازیابی به کوی
که پیش زنان راز هرگز مگوی

که هرگز نبینی زنی رای زن
به کاری مکن نیز فرمان زن

(چ. خالقی، ج ۵، برگ ۳۳۰، ب ۴۶۵-۴۶۴):

همن نزد پدرش اسفندیار از دلوری های رستم می‌گوید و:

ورا بر سر انجمن کرد خوار
ز بهمن برآشت اسفندیار

نزیب که با زن نشیند به راز
بدو گفت کز مردم سرفراز

روزبه، موبد بهرام گور درباره ی این پادشاه زنباره می‌گوید: مسکو، ج ۷، برگ ۳۴۹، ب ۷۷۷-۷۷۰):

به يك تير بر هم بدوزد دو گور
نبیند چنو کس به بالای و زور

به زودی شود سست چون پرنیان
تبه گردد از خفت و خیز زنان

به تن سست گردد به لب لاژورد
کند دیده تاریک و رخساره زرد

سپیدی کند در جهان ناامید
ز بوی زنان موی گردد سپید

ز کار زنان چند گونه بلاست
جوان را شود گوژ بالای راست

گر افزون بود خون بود ریختن
به يك ماه يك بار آمیختن

بباید جوان خردمند را
همین بار از بهر فرزند را

ز سستی تن مرد بی‌خون کند
چو افزون کنی کاهش افزون کند

ابوالفضل خطیبی (پژوهشگر زبان و ادب فارسی) در این باره چنین می‌گوید: درست است که همه بیت های زن ستیزانه ای که در بخش «بیت های اصلی» نقل شد، بی‌گمان سروده ی فردوسی است، ولی به این نکته باید نیک توجه کرد که فردوسی از روی يك متن شعر می‌سراید و خود با صراحت می‌گوید که با امانت‌داری، مطالب منبع خود را به رشته نظم می‌کشد. در شاهنامه به هیچ روی چنین نیست که نگرش منفی فردوسی نسبت به زن از زبان قهرمانان داستان ها بیان شده باشد، بلکه برعکس این نگرش های منفی قهرمانان داستان هاست بر زبان فردوسی. چنان چه شاهنامه و قهرمانان آن آفریده ی ذهن خلاق فردوسی نیز می‌بود، باز هم این نگرش های منفی به زن لزومن نگرش داستان‌سرا نبوده و او حق داشته است که قهرمانانی خلق کند که نسبت به زن نگرش منفی داشته باشند.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آیا فردوسی زن ستیز بود؟!»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1867/pdf/آیا-فردوسی-زن-ستیز-بود.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵